

بررسی تفسیر کوه‌های ابری در آیه ۴۳ سوره نور*

زینب روستایی** و سیده محبوبه کشفی***

چکیده

آیه ۴۳ سوره نور از آیات چالشی قرآن کریم است که به یکی از مسائل علوم طبیعی می‌پردازد و مفسران درباره عبارت «وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِثْرًا مِثْرًا فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» در آن، تفاسیر مختلفی ذکر کرده‌اند و برخی نیز به وجه علمی بودن آیه اشاره داشته‌اند. آنچه حائز اهمیت است پاسخ به این پرسش است که آراء مفسران در ذیل آیه چیست و آیا آراء مذکور یا یکدیگر قابل جمع است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای، حاکی از آن است که علت این تفاوت دیدگاه‌ها به نوع برداشت مفسران از معنای واژه «جبال» برمی‌گردد. همچنین نویسندگان با تحلیل دیگر آیات هم موضوع و معنای لغوی واژه «جبال»، سعی بر آن داشتند که تفسیر آیه تبیین گردد. بر اساس یافته‌ها، این تعدد اقوال تفسیری، بدوی است و از جهت سلايق متفاوت در توجه به وجوهات مشترک در کوه و ابر است و می‌توان همه تفاسیر را در یک نظر جمع کرد با این بیان که همگی بر پدید آمدن توده‌های ابر شبیه به کوه مشترک‌اند.

واژگان کلیدی: آیه ۴۳ سوره نور، جبال، ابرها، تفسیر علمی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶.

** دکتري ادبیات عرب، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن کریم شیراز (نویسنده مسئول):

zeinabroostae@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز: mahboobeh.kashfi@yahoo.com

مقدمه

یکی از آیاتی که مفسران وجه علمی آن را تبیین کرده‌اند، آیه ۴۳ سوره مبارکه نور است که خداوند متعال نحوه تشکیل باران، برف و تگرگ را چنین می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ»؛ «آیا ندانسته‌ای که خدا [ست که] ابر را به آرامی می‌راند، سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد، آنگاه آن را متراکم می‌سازد، پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [خداست که] از آسمان از کوه‌هایی [از ابر یخ‌زده] که در آنجاست تگرگی فرومی‌ریزد؛ و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است روشنی برقش چشم‌ها را ببرد» این آیه از مواردی است که بین مفسران قرآن، اختلافات بسیاری درباره‌آن به چشم می‌خورد و بخش مورد اختلاف آن تفاسیر ارائه شده از عبارت «يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» است.

تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون بحث ابر و برف در قرآن توسط محققان ارائه شده است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله «بررسی لغزش‌های مترجمان در دو آیه مربوط به شکل‌گیری ابر، باران و تگرگ» (رستمی و شاهین‌پور، ۱۳۹۴)، «اعجاز علمی قرآن در پدیده ابر» (علوی مهر و صادقی، ۱۳۹۲)، «بررسی سه نمونه از دعای ناسازگاری قرآن و علم، ۱۳۹۲»، «تگرگ به روایت علم و قرآن» (الکحیل، ۱۳۸۴-۱۳۸۵) و «قرآن و دانش: ابر و باد» (صابر مقدم، ۱۳۸۳) اشاره کرد. ویژگی مشترک این پژوهش‌ها، بیان اعجاز علمی قرآن است. اما در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، نگارنده بر این امر اهتمام دارد که تفاسیر مختلف آیه را به شکل دسته‌بندی ارائه کند و نشان دهد که آیا تفاسیر متعدد بیانگر تنوع واقعی آراء است و یا این که این تعدد و گوناگونی بدوی و ظاهری است؟

با توجه به تفاسیر مختلفی که از این آیه بیان شده است و هم‌چنین شبهاتی که ممکن است از این تفاسیر به ذهن خوانندگان خطور کند ضرورت چنین تحقیقی احساس شد تا بتوان به این سؤالات پاسخ داد که آیا این تعداد تفسیر برای عبارت ذکر شده صحیح است؟ و کدام نظر می‌تواند دربرگیرنده‌ی بقیه تفاسیر باشد؟

وجه علمی آیه ۴۳ سوره مبارکه نور

علامه معرفت در کتاب التمهید فی علوم القرآن، ضمن تبیین و تقسیم وجوهات اعجاز قرآن به سه بخش اعجاز بیانی، اعجاز علمی و اعجاز تشریعی، برای هریک موارد قرآنی را مثال می‌زند. یکی از مواردی که ایشان در تبیین مصطلحات علمی قرآن اشاره می‌کند، آیات گزارشگر پدیده ابر است.

آیت الله معرفت ضمن اظهار شگفتی از رونمایی قرآن از این حقایق علمی، با استناد به آیات قرآن، ابرها را به چند دسته تقسیم می‌کند، و بیان می‌دارد ابرها از نظر طبیعی به دو شکل در آسمان ظاهر می‌شوند؛ گاه ابرها به صورت عمودی همچون کوه‌ها در آسمان نقش می‌بندند که به آنها «رکامیه» گفته می‌شود و آیه ۴۳ سوره نور درصدد تبیین چنین ابرهایی است و گاه شکل ابرها به طور افقی و در امتداد یکدیگر بسط پیدا می‌کنند که بدین ابرها، «بساطیه یا طبقیه» گفته می‌شود و خداوند متعال به این قسم دوم از ابرها نیز در سوره روم آیه ۴۸ پرداخته است. از این رو خداوند متعال بین این دو نوع ابر به خوبی فرق گذاشته است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۲۸: ۱۴۲/۶).

امروزه نیز محققان هواشناسی ابرها را به اعتبار ویژگی‌های خاص به چند دسته تقسیم کنند که یکی از این اقسام، ابرهای کولونیمبوس یا جوششی است که ارتفاع آن‌ها به ۲۰ کیلومتر هم می‌رسد و سطح زیرین این ابرها صاف و سطح رویین آن‌ها از سوزن‌های یخ است (کمالی، هواشناسی کاربردی، ۱۳۸۸: ۳۸).

گوناگونی بدوی تفاسیر در آیه ۴۳ نور

به نظر می‌رسد بیشترین اختلاف مفسران درباره این آیه، به نوع برداشت آن‌ها از واژه «جبال» برمی‌گردد، که در ادامه به ارائه و بررسی این نظرات می‌پردازیم:

۱. نام مخلوقی از مخلوقات خداوند

برخی از مفسران بر این نظر هستند که مراد از لفظ «جبال»، وجود کوه‌های برفی در ۲۵۷ آسمان است و خداوند متعال در این آیه به یکی از مخلوقات خویش در آسمان اشاره می‌کند. آن‌ها واژه «جبال» را یکی از پدیده‌های آسمانی می‌دانند که در آسمان خلق شده است (امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی تا: ۱۳۴/۹).

صاحب تفسیر «مخزن العرفان» با استناد به سخن معصومان (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۳/ ۶۱۴)، تفسیر مذکور را محتمل دانسته است و با استناد به بیان معصوم، ترجیح و احتمال خود را مستدل می‌کند. بانو اصفهانی بیان می‌کند که معصومان از وجود این حقیقت پرده برداشته و به انسان‌ها خبر داده‌اند که همچون کوه‌ها، دریاها و ابرهائی که انسان‌ها مشاهده می‌کنند، در ستارگان نیز کوه‌ها و دریاها و وجود دارد^[۱]. به عبارتی دیگر، در بعضی از کرات کوه‌هایی است که وقتی بخارهای زمین متصاعد می‌گردد اگر به آن کوه‌ها نرسد باران می‌شود و به زمین می‌ریزد. و اگر بخارات زمین به آن کوه‌های آسمانی برسد از شدت سردی در آنجا یخ می‌گردد و در حین نزول و برخورد با بخارات در ابرها درحالی که منجمد نشده، خرد گردیده و تبدیل به برف می‌شود و اگر منجمد شود، تبدیل به تگرگ می‌گردد (امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌تا: ۹/ ۱۳۴). قابل توجه است که صاحب تفسیر «بحرالعلوم» در نقل از مقاتل، کوه‌های آسمانی برفی را بیشتر از کوه‌های زمینی می‌داند (سمرقندی، بحر العلوم، ۱۴۱۶: ۲/ ۵۱۷).

لازم به ذکر است که بنا بر صاحب کتاب نحوی، نحاس، برای حرف جر «من» در عبارت «من برد» می‌توان دو حالت فرض کرد. به این ترتیب که این حرف جر «من» در جهت بیان جنس به کار رفته است و یا این که آن را حرف زائد دانسته و آنگاه «من برد» را در نقش صفت برای «من جبال» و در موضع جر دانسته‌اند (نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱: ۳/ ۹۸؛ شیبانی، نهج البیان، ۱۴۱۶: ۴/ ۵۱).

۲. تداعی فراوانی و کثرت

برخی برای واژه «جبال» مفهوم مجازی در نظر گرفته‌اند. از ابن عباس و فراء واژه «جبال» را تداعی کننده‌ی مفهوم کثرت می‌دانند و جبال را به معنای مخلوقی از مخلوقات خداوند نگرفته‌اند. این گروه از مفسران کاربرد روزمره تمثیل را قرینه‌ای برای نظر خود اظهار کرده‌اند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۸/ ۱۱۹؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۷/ ۴۴۷)؛ چنان‌که گفته می‌شود فلانی صاحب کوهی از مال و ثروت است که غرض از این جمله ثروت فراوان و زیاد است (سمرقندی، بحر العلوم، ۱۴۱۶: ۲/ ۵۱۷؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۱۴۰۷: ۴/ ۳۲۶؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰:

۱۳۷/۱۵؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۱۹/۱۸؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴۴۷/۷؛ کاشانی، زبدة التفاسیر، ۱۴۲۳: ۵۲۲/۴؛ اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵۷/۸).

ثعالبی بر این باور است که ترجیح معنای حقیقی بر معنای مجازی، بدون مانع، اولویت دارد، و تفسیر آیه مذکور بر معنای مجازی «جبال» برای دلالت بر کثرت را قول ضعیف می داند (ثعالبی، تفسیر الثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۳/۴). از نگاه این مفسران، شباهت میان برف و کوه، موجب برقراری این ارتباط تشبیهی شده و مشبه برف، و مشبه به جبال است که گویی کوهی از برف می بارد.

۳. تداعی عظمت

جمعی دیگر از مفسران ابرها را به جهت پیوستن با یکدیگر و تراکم، از نظر شکل ظاهری همچون کوه های بزرگ می دانند. گویی قطعه های عظیم ابر همانند کوه های بزرگ گشته اند و در آسمان کوهی از ابر وجود دارد (بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۱۱۰/۴؛ حقی، تفسیر روح البیان، بی تا: ۱۶۶/۶؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳۸۲/۹؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۴۳۰/۵؛ مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۱۱۷/۱۸). این مفسران، وجه شباهت در تشبیه به کار رفته را در عظمت و بزرگی آن می دانند، و تنها به یک ویژگی مشترک در کوه ها و ابرها متراکم اشاره داشته اند.

۴. تداعی ناهمواری

سید قطب و مدرسی بر این باورند که توده های ابر در آسمان از آن جهت شبیه کوه ها به نظر می رسند که ناهمواری های تشکیل شده از تراکم ابرها همانند بلندی و پستی های کوه ها شده است. چنین تصویری در هنگام نظاره کردن از هواپیما به ابرها به خوبی نمایان است (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵: ۲۵۲۲/۴؛ مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۱۹: ۳۲۹/۸). علاوه بر ایشان، صاحب تفسیر تقریب الاذهان نیز به این نکته اشاره داشته است و خوانندگان را به دیدن چنین منظره ای در بازگشت از مکه به دمشق دعوت می کند (حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان، بی تا: ۷۱۳/۳).

نجفی، از جمله موافقان این تفسیر، از اشاره و تبیین قرآن نسبت به این حقیقت علمی اظهار شگفتی کرده و مشاهدات دانشمندان کشور شوروی را قرینه‌ای برای تقویت چنین تفسیری می‌داند. از نظر ایشان، عنوان «کوههایی از یخ» برای ابرهای متشکل و مستور از سوزن‌های یخی است که عنوان مذکور به‌خوبی بر آن صدق می‌کند؛ لذا روشن می‌شود که در آسمان کوههایی از یخ وجود دارد (نجفی، تفسیر آسان، ۱۳۹۸: ۱۴/۱۱۸).

۵. تداعی عظمت و ناهمواری‌ها

سید رضی، منظور از جبال را ابرهای متراکم می‌داند که در اثر پیوستگی اجزا، متراکم گشته و در ظاهر شبیه به کوه شده‌اند. وی می‌نویسد منظور از لفظ «جبال» در آیه مذکور ابرهای سنگین وزن است، بدین شکل که ابرها به جهت متراکم شدن با یکدیگر همچون کوهها دارای پستی و بلندی و قطعه‌هایی عظیم گشته‌اند. دلیل سید رضی بر تفسیر مذکور، مرجع ضمیر در شبه جمله‌ی «فیها» است که مرجع ضمیر را «سما» می‌داند. به بیانی روشن‌تر، اگر مرجع ضمیر در این شبه جمله، «جبال» باشد موجب این توهّم می‌شود که کوهها از آسمان بر زمین می‌ریزند اما زمانی که مرجع ضمیر، لفظ «سما» در نظر گرفته شود دیگر اشتباه مذکور رخ نخواهد داد. ایشان با تکیه بر نظام طبیعی قرارگاه کوهها در زمین، وصف جبال در آسمان را از جهت تشبیه دانسته و آن را حسن برشمرده و مفید تخصیص و تمییز دادن کوههای آسمانی از کوههای زمینی دانسته است (شریف رضی، تلخیص البیان، ۱۴۰۶: ۲۴۷).

باید توجه داشت که ایشان با استناد به معنای لغوی «سما» - به هر چیزی که در بالا واقع شده و بر بقیه اشیاء محیط باشد، واژه‌ی «سما» اطلاق می‌شود (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ۵/۲۱۹)، آن را به ابر معنی کرده است و بدین ترتیب با استناد به این معنا و بررسی مرجع ضمیر در شبه جمله‌ی «فیها»، شبه را ابر دانسته که به جهت تراکم و بزرگی قطعه‌ها و وجود ناهمواری‌ها به کوه تشبیه شده است.

سید رضی و صادقی تهرانی مفسرانی هستند که دو ویژگی مشترک در کوهها و ابرها را توأمان با یکدیگر در نظر گرفته و بر طبق این ویژگی‌ها، آیه را تفسیر کرده‌اند (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۳۶۵: ۱۹۱/۲۱)؛ درحالی‌که دیگر مفسرانی که آیه را به تداعی عظمت، ناهمواری و فراوانی تفسیر کردند، چنین نگاه و تبیینی نداشته‌اند و تنها یک ویژگی مشترک را بین کوهها و ابرها در نظر گرفته‌اند.

۶. تداعی ارتفاع

سید عبدالحسین طیب بر این باور است که علت کاربرد واژه کوه در این آیه، به یاد آوردن ارتفاع کوه‌ها است که بسته به میزان دمای هوا در ارتفاع کوه، نوع بارش نیز فرق می‌کند. به این صورت که اگر هوا در هنگام بارش باران، در ارتفاع کوه‌ها سرد شود، آن قطرات باران تبدیل به تگرگ می‌شوند (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۵۴۲/۹).

۷. تبیین سختی

علامه جوادی آملی تصور برخی از مفسران را مبنی بر وجود و خلقت کوه‌ها در فضا، تفسیری اشتباه تلقی می‌کند. ایشان با دقت در معنای «جبل» و موارد کاربرد آن نتیجه می‌گیرد که به هر امر متقن و محکمی، جبل گویند، و جهت تقویت این تفسیر به آیه ۱۸۴ سوره شعراء استناد می‌کند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحَيَلَةَ الْأُولَى﴾؛ بنابراین از جهت استحکام و اتقان کوه‌ها بدان‌ها لفظ «جبل» اطلاق می‌شود. قرینه و دلیل ایشان بر تفسیر گفته شده این است که در ادامه آیه، بحث تگرگ پیش آمده است؛ که به قطع، ابری که نرم و سست باشد نمی‌تواند تگرگ را باشد بنابراین مراد سختی آن‌ها بوده است. به عبارت دیگر، تا زمانی که ابر متراکم، مرکب و سرد نشود و سخت نشود، تگرگ را نمی‌تواند باشد. درواقع، ایشان واژه جبال را به جسم خارجی در عالم طبیعت تفسیر نکرده‌اند بلکه برداشت ایشان از این واژه همان معنای اصلی واژه است که با گردآمدن ابرهای حامل تگرگ، جسم سختی در آسمان پدید می‌آید و باید افزود که علامه جوادی آملی نسبت به شکل این پدیده بیانی نداشته‌اند (سایت بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء، تفسیر نور، جلسه ۲۸).

بررسی گوناگونی بدوی تفاسیر مذکور

به نظر می‌رسد که تفاسیر مذکور را می‌توان در دو بخش خلاصه نمود. گروهی واژه «جبال» را در معنای حقیقی می‌دانند و گروهی دیگر که جمع کثیری از مفسران را به خود اختصاص داده است، کاربرد این واژه را در معنای مجازی تفسیر کرده‌اند. گروه دوم، علت و وجه شباهت ابرها و کوه را اغراض گوناگونی در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از تداعی فراوانی، ناهمواری، عظمت، ناهمواری و عظمت (توأمان) و ارتفاع.

در واقع این مفسران بر این باور هستند که در آیه ۴۳ سوره مبارکه نور، ادات تشبیه در تقدیر بوده و یک یا چند ویژگی مشترک میان ابرها و کوهها موجب برقراری این تشبیه شده است. همین در نظر گرفتن وجوهای گوناگون موجب تعدد و تکثر تفاسیر ذیل آیه شده است. اما باید توجه داشت که این تعدد تفاسیر در گروه دوم، ظاهری و بدوی است و می‌توان همه تفاسیر این گروه را در یک وجه مشترک دانست. پیش‌فرض ذهنی این دسته از مفسران چنین بوده است که با گردآمدن ابرها، ابرهای متراکم به شکلی همچون کوه گشته‌اند که این تصویرپردازی می‌تواند از جهت عظمت، یا ناهمواری، یا مرتفع بودن و یا مجموع این جهات باشد. از این رو می‌توان گفت که نه تنها این تفاسیر با یکدیگر منافات ندارند، بلکه هریک به جنبه‌ای خاص از این نقطه اشتراک میان کوه و ابر نگریسته‌اند. حال به مقایسه نظر گروه اول با گروه دوم پرداخته می‌شود با این هدف که آیا نظر گروه اول (حقیقی دانستن) با نظر گروه دوم (مجازی دانستن واژه) متفاوت است:

گروه اول قائل بر وجود حقیقی کوهها هستند. مفسران قائل بر این نظر در نحوه‌ی تلقی و تبیین این حقیقت متفاوت می‌باشند؛ بدین گونه که برخی منظور از حقیقی بودن جبال را وجود مخلوقی در آسمان می‌دانند و برخی دیگر مراد از این حقیقت را معنای حقیقی و اصلی واژه جبال، یعنی سختی می‌دانند که صاحب تفسیر تسنیم از جمله معتقدان بر نظر اخیر است.

اگرچه در نگاه سطحی، نظرات این دو دسته در مقابل یکدیگر می‌باشند اما با تأمل بیشتر می‌توان دریافت که هر دو گروه درصدد ارائه یک تفسیر هستند. بدین ترتیب که قائلان بر معنای حقیقی کوهها، درصدد اثبات این هستند که کوهی در آسمان پدید می‌آید. گروه دوم نیز همین مطلب را بیان می‌کنند با این تفاوت که امر تشبیه در آیه را پررنگ می‌کنند که از گردهمایی ابرها با یکدیگر، پدیده‌ای همچون کوه به وجود می‌آید که از جهت برخی ویژگی‌های ظاهری شبیه به کوههای زمینی است و بدین جهت نام کوه بر آن اطلاق شده است.

درواقع گروه دوم نیز همچون گروه اول بر این باور هستند که شیءای در آسمان به وجود می‌آید که از نظر برخی ویژگی‌های ظاهری شبیه به کوههای زمینی است. در نتیجه می‌توان گفت که هر دو گروه بر این باور هستند که در اثر تراکم ابرها با یکدیگر، پدیده‌ای در آسمان به وجود می‌آید که می‌توان از جهت یا جهاتی، واژه کوه را بر آن اطلاق کرد. لیکن نحوه تحلیل گزینش لفظ جبال و یافتن وجوه اشتراک میان ابر و کوه، موجب تعدد بدوی و ظاهری تفاسیر ذیل این آیه شده و می‌توان مجموع تفاسیر ارائه شده در ذیل واژه «جبال» را به نحوه‌ی تبیین شکل ابرها منتهی دانست. به عبارت دیگر، خداوند متعال شکل این ابرهای تگرگ را همچون ظاهر کوهها معرفی و به تصویر می‌کشد. قرآن متصل و منفصلی که در ادامه ذکر می‌شود به تقویت این نظر کمک می‌کند:

قرینه‌های تأییدکننده وحدت نظر مفسران

به جهت اثبات عدم گوناگونی نظرات مفسران می‌توان به دو دسته از قرائن متصل و منفصل در ذیل اشاره نمود:

۱. قرینه متصل

تنها قرینه پیوسته لفظی سیاق است که نقش بسیار مهم در فهم آیات قرآن دارد. در نظر گرفتن سیاق یکی از اصول عقلایی محاوره است که در همه زبان‌ها به آن ترتیب اثر داده می‌شود و دانشمندان اسلامی نیز در فهم ظواهر متون دینی از جمله قرآن کریم، از آن استفاده می‌کنند. گاه در پی هم آمدن جملات پیرامون یک موضوع در قرآن کریم موجب می‌شود که آن جملات در یک سیاق قرار گیرند و این خود قرینه‌ای برای دریافت فهم بهتر است. به عبارتی دیگر، یک جمله از قرآن کریم برای جمله‌ای دیگر در همان آیه قرینه شده و در تعیین مقصود از جمله دیگر تأثیرگذار است (بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۷۹: ۸۶-۹۵).

از قرائنی که در آیه ۴۳ سوره نور به فهم بهتر مفهوم واژه «جبال» کمک می‌کند، سیاق جمله ابتدایی آیه است. ابتدای آیه با جمله «يُزْجَى سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلَّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يُجْعَلُ رُكَامًا» آغاز می‌شود. در این عبارت گزینش واژه «یزجی» نشان می‌دهد که ابرها از یکدیگر جدا بودند؛ زیرا که فعل «یزجی» از ماده «زجی» به معنای راندن همراه با دفع کردن و بدون حبس است (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ۳۱۵/۴؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۸/۳).

از این رو ابرهای پراکنده به یکجا رانده شده و سپس با یکدیگر پیوند داده می‌شوند که نتیجه‌ی این اتصال و پیوند با عبارت «ثُمَّ يُجْعَلُ رُكَامًا» تبیین می‌شود. غالب علمای لغت ماده‌ی «رکم» را بر جمع کردن اطلاق می‌کنند که بر روی یکدیگر باشد (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۳۰/۲؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۳۶۹/۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۵۱/۱۲). این توده‌های ابر بر روی یکدیگر متراکم می‌شوند و موجب نزول باران می‌شوند. خداوند متعال با ذکر واژه «رکاما» در این عبارت، نحوه‌ی انباشته شدن ابرها را تبیین می‌کند کاربرد این واژه به‌خوبی نشان می‌دهد که این انباشتگی به‌صورت عمودی و در طول یکدیگر بوده است.

با در نظر گرفتن وحدت سیاق جمله در این آیه می‌توان دریافت که مراد از ذکر واژه جبال، آماده‌سازی ذهن خواننده جهت به تصویر کشیدن نحوه تراکم ابرها بوده است. قابل توجه است که ابن قتیبه نیز تنها به ذکر معنای عبارت ابتدایی آیه پرداخته است (ابن قتیبه دینوری، تفسیر غریب القرآن، ۱۴۱۱: ۲۶۲/۱) که به نظر می‌رسد ابن قتیبه با بسنده کردن به تفسیر ابتدای آیه به دلیل معنای واژه «رکاما» از ادامه آیه منصرف گشته است و گویی عبارت ابتدایی را عاملی مؤثر در تبیین جملات بعدی دانسته است.

همچنین باید متذکر شد که واژه «جبال» در کتاب‌های لغت از ریشه‌ی (جبل) گرفته شده است. صاحب‌اولین فرهنگ لغت عربی موجود، خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ق)، واژه «جبل» را به یکی از پایه‌های مستحکم زمین تعبیر کرده است: «اسم لكل وتد من أوتاد الأرض، جِبَلَةُ الأرض: صلابها» (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۱۳۶/۶). ازدی (م ۳۲۱ق) نیز «جبل» را همان جسم خارجی در نظام طبیعت می‌داند: «والجبل مَعْرُوف» (ابن درید ازدی، جمهرة اللغة، ۱۹۸۸: ۲۶۹/۱).

ابن فارس همچون علمای پیشین، اصل این واژه را اجتماع و تراکم چیزی در ارتفاع می‌داند و به همان معنای معروف اشاره می‌کند: «الجیم والباء واللام أصلٌ یطرد ویقاس، وهوتجَمُّع الشئ فی ارتفاع. فالجبل معروف» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۰۲). راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) و ابن منظور (م ۷۱۱) نیز در معنای این واژه با ابن فارس هم‌نظر هستند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱۸۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۹۶/۱۱). افزودنی است که راغب اصفهانی برخی از کاربردهای این واژه را در غیر از معنی مذکور به جهت استعاره تلقی می‌کند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱۸۵)؛ اما طریحی (م ۱۰۸۷) نظری متفاوت با راغب اصفهانی مطرح می‌کند؛ و بر این باور است که معنای لغوی «جبل» آفریدن و خلق کردن است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۵). این در حالی است که راغب اصفهانی، چنین معانی را استعاره از واژه «جبل» در نظر گرفته بود. مصطفوی معنای لغوی این واژه را این چنین آورده است: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ مَا يَكُونُ فَطْرِيًا وَعَظِيمًا، وَمِنْ مَصَادِيقِ هَذَا الْمَفْهُومِ الْمَتَظَاهِرُ فِي الطَّبِيعَةِ: الْجِبَالُ، وَمِنْ النَّاسِ مَنْفَرِدًا أَوْ مَجْتَمَعًا مَا يَكُونُ بِالطَّبِيعَةِ كَبِيرًا أَوْ كَثِيرًا أَوْ عَظِيمًا كَالرَّجُلِ الْمَجْبُولِ، وَامْرَأَةٍ جَبَلَةٍ أَوْ مَجْبَالٍ». وی اطلاق واژه «جبل» را بر هر چیز بزرگ بالفطره بیان می‌کند و وجود این دو قید (فطری و بزرگ) را برای اطلاق این واژه لازم می‌داند. ایشان در ادامه تبیین معنی واژه، کاربردهای قرآنی را متذکر می‌شود تا به این طریق بر معنای مورد نظر صحه‌گذار (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸، ۴/۴۸).

می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمامی دانشمندان علم لغت در تبیین معنای این واژه اتفاق نظر داشته‌اند و تنها طریحی و مصطفوی نظری متفاوت ارائه کرده‌اند (طریحی، مجمع البحرين، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۵؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸، ۴۸/۲). به نظر می‌رسد تعریفی که علامه مصطفوی در مورد این واژه ارائه کرده است، می‌تواند معانی دیگر را نیز پوشش دهد. از این رو نسبت به تعاریف دیگر رجحان دارد و می‌توان آن را به‌عنوان معنای اصلی ماده «جبل» انتخاب کرد و با استناد به معنی مذکور، می‌توان لفظ به‌کاربرده شده در آیه ۴۳ سوره نور را بر ابرهای متراکم شده شبیه به کوه برداشت کرد.

۲. قرینه منفصل

علاوه بر قرینه متصل مذکور، می‌توان با استناد به آیات هم موضوع به‌عنوان قرینه منفصل، وحدت نظر مفسران را تقویت کرد:

یک - بررسی آیات هم موضوع

از آنجاکه موضوع محوری آیه مذکور، تبیین پدیده‌های ابر است؛ لازم است تمام آیاتی که به پدیده ابر تصریح داشته‌اند، بررسی شود. واژه ابر در قرآن با تعابیر «غمام»، «مزن» و «سحاب» به‌کاررفته است. بیشترین کاربرد قرآنی واژه «غمام» به جهت سایه‌افکنی بر انسان‌ها بوده است که در چنین آیاتی از شکل‌گیری پدیده ابر سخنی به میان نیامده بلکه تنها به نعمت وجود ابر اشاره شده است. واژه «مزن» تنها یک مرتبه در قرآن به‌کاررفته و آن هم در جهت توجه دادن مردم به قدرت خداوند در نزول باران است. و درنهایت واژه «سحاب» به مفهوم ابر مرتبط است که با بررسی مشتقات ماده «سحب» در قرآن کریم، ۹ مرتبه از این ماده با ساختار اسمی «سحاب» به‌کاررفته است. به بیانی دقیق‌تر، از ۱۱ مرتبه کاربرد قرآنی ماده «سحب»، ۹ مرتبه آن به‌طور خاص پیرامون پدیده‌ی ابر است. لذا سعی بر این است که با بررسی کاربردهای قرآنی پدیده ابر به مفهومی دقیق‌تر از واژه «جبال» دست‌یافت؛ چراکه اولین مبین قرآن، خود قرآن کریم است. به جهت تبیین بیشتر، کاربردهای قرآنی «سحب» و مفاهیم آن‌ها در جدول ذیل ارائه می‌گردد:

ردیف	آیه / سوره	متن آیه	مفهوم
۱	۱۶۴/ بقره	إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	گردش ابرهای تسخیر شده
۲	۵۷/ اعراف	وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِيَلْدِ مِيتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ	سنگینی ابرها به جهت حمل آب (ابرهای بارانزا)
۳	۱۲/ رعد	هُوَ الَّذِي يَرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ	سنگینی ابرها به جهت حمل آب (ابرهای بارانزا)
۴	۴۰/ نور	أَوْ كُظُلُمَاتٍ فِي خَجَرٍ لَبِئْسَ بِغِشَاءٍ مُوجٍ مِنْ فَوْقِهِ مَوَجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُوْرٍ	ابرهای تیره
۵	۴۳/ نور	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْسِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ	ابرهای تگرگ زا
۶	۸۸/ نمل	وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ	حرکت ابر و کوه
۷	۴۸/ روم	اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كُسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ	تشکیل دو نوع ابر (بساطیه و قطعه قطعه ای)
۸	۹/ فاطر	وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمُسْقِنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مُبِينٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ	ابرهای بارانزا
۹	۴۴/ طور	وَإِنْ يَرَوْا كُفُوفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ	قطعه ابرهای مرکوم

آیات مذکور به ذکر دو گونه ابر یعنی ابرهای باران‌زا و تگرگ‌زا پرداخته است و به برخی از ویژگی‌های ظاهری ابرها نیز اشاره دارد. آیات ردیف (۱)، (۲)، (۳) و (۸) به صراحت پیرامون ابرهایی است که با حمل قطرات بخار آب، موجب بارش باران می‌شوند. اما آیات ردیف (۵)، (۷) و (۹) به تبیین شکل ابرها پرداخته است که به تأمل بیشتری نیاز دارد. با بررسی و تقابل دو آیه قریب المضمون (۵) و (۷) به مفهوم دقیق‌تری از واژه «جبال» می‌توان دست‌یافت. به بیانی واضح‌تر قرابت مضمونی این دو آیه می‌تواند نقشی مؤثر در فهم واژه «جبال» داشته باشد.

در آیه ۴۸ سوره روم، خداوند از نحوه‌ی شکل‌گیری ابرها سخن به میان می‌آورد که به جهت نزول باران، ابرها را برانگیخته و با یکدیگر پیوند می‌دهد. طبق بیان صریح آیه ۴۸ سوره روم، این ابرهای به هم پیوسته با دو شکل در آسمان ظاهر می‌شوند: الف) به طور متصل در آسمان گسترده می‌شوند «فَيُبْسِطُهُ فِي السَّمَاءِ». ب) و یا این‌که به طور قطعه‌قطعه در آسمان قرار می‌گیرند. «يَجْعَلُهُ كَسَفًا». و بدین ترتیب از این دو صورت ابر، باران می‌بارد (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۰۹). نکته قابل تأمل در صورت دوم ابرها «يَجْعَلُهُ كَسَفًا» است که این انقطاع به چه صورت یا صورت‌هایی است. به عبارت دیگر، آیا قطعه‌های ابر در کنار یکدیگر قرار دارند و موجب نزول باران می‌شوند؟ یا این‌که این قطعه‌ها بر روی یکدیگر سوار شده و متراکم می‌گردند (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۷). باید اذعان نمود که خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره روم، به طور مشخص از نحوه چیدمان قطعه‌های ابر خبر نداده است و این شاید به دلیل لحن آیه باشد. درواقع با توجه به لحن بشارت در آیه ۴۸ سوره، مناسب‌تر است که از ابرهای تگرگ‌زا (ابرهای رکامیه) که در صورت اصابت به شخص، احتمال مرگ و میر را دارد، سخنی به میان نیاید. از این رو خداوند متعال نسبت به تمییز و تبیین نحوه‌ی چیدمان این قطعه‌های ابری در آیه مذکور سخنی نگفته است؛ اما در آیه ۴۳ سوره نور به نحوه‌ی چیدمان قطعات ابر پرداخته شده است و بدین ترتیب مفهوم واژه «جبال» نیز به خوبی تبیین می‌گردد. و این همان امری است که در آیه ۴۸ سوره روم بدان اشاره گردید. درواقع این تراکم و نزول باران، نقطه اشتراک آیات ۴۸ سوره روم و ۴۳ سوره نور است؛ اما در آیه ۴۳ سوره نور واژه‌ای به ظاهر مبهم وجود دارد که به نظر می‌رسد با تبیین نوع این تراکم که طولی یا عرضی باشد، روشن می‌گردد. و درنهایت خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره نور، تصویر واضح‌تری را از این شکل تراکم به نمایش می‌گذارد و آن را منشأ دو پدیده تگرگ و رعد و برق معرفی می‌کند.

با بررسی این دو آیه‌ی هم‌زمان و سیاق خود آیه ۴۳ سوره نور می‌توان دریافت که هدف از کاربرد واژه «جبال»، تصویرپردازی از شکل ابرهای متراکم و تگرگ‌زا است و این امری است که اکنون از سوی محققان هواشناسی نیز روشن گردیده است که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

نتیجه

در مواردی مفسران به تقلید از مفسران پیشین یا با تکیه کردن بر معانی موجود در ذهن خود، به تفسیر قرآن اقدام نموده‌اند. گاه برخی تفاسیر با یکدیگر هم‌پوشانی دارد و می‌توان آن‌ها را در یک دسته قرار داد. آیه ۴۳ سوره مبارکه نور از جمله آیات چالش‌برانگیز در میان مفسران است که می‌توان نظرات تمامی مفسران را در دو دسته کلی حقیقی و مجازی قرار داد. به این ترتیب که قائلان بر تشبیه ابرها به کوه، وجه شبه‌های متفاوتی از جمله عظمت، سختی، ناهمواری، ارتفاع را بیان کرده‌اند اما گروهی دیگر به حقیقی بودن معنای واژه «جبال» قائل‌اند. با توجه به قرائن متصل (سیاق جمله و کلمه) و همچنین قرائن منفصل (آیات هم موضوع) چنین به دست آمد که مراد خدای سبحان از کاربرد این واژه می‌تواند به معنای حقیقی آن باشد و در اثر واکنش‌های آب و هوایی و دمای در آن سطح از ارتفاع، کوه‌هایی تشکیل می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] «وَالَّذِيكَ وَالصَّخْرَةَ وَالْحُوتَ وَالْبَحْرُ الْمُظْلِمَ وَالْهَوَاءَ وَالتَّرَى بِمَنْ فِيهِ وَمَنْ عَلَيْهِ عِنْدَ السَّمَاءِ كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي وَهَذَا وَسَمَاءُ الدُّنْيَا وَمَنْ فِيهَا وَمَنْ عَلَيْهَا عِنْدَ الَّتِي فَوْقَهَا كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي، وَهَذَا وَهَاتَانِ السَّمَاءِ انْ عِنْدَ الثَّالِثَةِ كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي، وَهَذِهِ الثَّلَاثُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَمَنْ عَلَيْهِنَّ عِنْدَ الرَّابِعَةِ كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّابِعَةِ، وَهَذِهِ السَّبْعُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَمَنْ عَلَيْهِنَّ عِنْدَ الْبَحْرِ الْمَكْنُوفِ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي، وَهَذِهِ السَّبْعُ وَالْبَحْرُ الْمَكْنُوفُ عِنْدَ جِبَالِ الْبَرْدِ كَخَلْقَةٍ فِي فَلَاةٍ قِي، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۶۱۴/۳).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن درید ازدی، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، دارالعلم، بیروت: چاپ اول، ۱۹۸۸.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴.
۴. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، دار و مکتبه الهلال، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۱.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۶. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا: چاپ اول، بی تا.
۷. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، به تحقیق محمد جمیل صدقی، دار الفکر، بیروت: ۱۴۲۰.
۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۵.
۹. بابایی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی، روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۸.
۱۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۸.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ اول، ۱۴۲۲.
۱۳. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، دارالعلوم، بیروت: بی تا.
۱۴. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵.
۱۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم - دارالشامیه، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۲.
۱۸. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، دارالفکر، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۶.
۱۹. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، شركة مكتبة الافین، کویت: چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسن، تلخیص البیان، دارالاضواء، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۶.
 ۲۱. شبانی، محمد بن حسن، نهج البیان، نشر الهادی، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳.
 ۲۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۶۵.
 ۲۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۹۰.
 ۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
 ۲۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، به تحقیق احمد حسینی اشکوری، انتشارات مرتضوی، بی جا: چاپ سوم، ۱۳۷۵.
 ۲۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
 ۲۷. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران: ۱۳۷۸.
 ۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
 ۲۹. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت: چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵.
 ۳۰. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، زبدة التفاسیر، دارالمعارف الاسلامیه، قم: اول، ۱۴۲۳.
 ۳۱. کمالی، غلامعلی و عسکری، احمد و نوحی، کیوان، هواشناسی کاربردی، پژوهشکده هواشناسی و رجاء، تهران: ۱۳۸۸.
 ۳۲. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران: چاپ اول، ۱۴۱۹.
 ۳۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دارالفکر، بیروت: چاپ اول، بی تا.
 ۳۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتب العلمیه، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۳۰ ق.
 ۳۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۴۲۸.
 ۳۶. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، دارالکتاب الاسلامی، قم: چاپ اول، ۱۴۲۴.
 ۳۷. نجفی، محمد جواد، تفسیر آسان، انتشارات اسلامیه، تهران: ۱۳۹۸ ق.
 ۳۸. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۱ ق.
39. <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NjExOQ%3d%3d-9%2bKmlvrvqU%3d>